

نقش نظام باورها و ارزش‌ها در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی

رقیه نوری پور لیاولی^۱، سیمین حسینیان^۲، غلامعلی افروز^۳

چکیده

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت همان برنامه ریزی بلند مدت برای یک دوره پنجاه تا صد ساله است؛ چرا که برنامه‌ریزی عبارت است از «یک جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت‌ها به منظور تصمیم‌گیری در مورد آوردن آینده به زمان حال، تا بتوان با تعیین هدف‌های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت‌های اثربخش جهت تحقق هدف‌های یادشده، کاری برای آن انجام داد. بی‌گمان هر الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی در پی اهداف و آرمان‌های خاصی است که بر یک سری پیش‌فرضها و زیرساختهای نظری و بنیادین ارزشی مبتنی است. در پژوهش تلاش نمودیم تا برخی از مهمترین مفاهیم و ارزش‌ها در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی را بررسی کنیم و نقش آنها را در تدوین نظریه و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیان نموده و نیز در راستای نیل به اهداف و آرمانهای متعالی انسان اسلامی که مؤثر است، تشریح نماییم.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، باورها، ارزش‌ها

مقدمه

از مسائل کلان و بسیار اساسی انقلاب اسلامی ایران که بارها توسط مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) مطرح شده، تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. این مسئله نیازمند مطالعاتی همه‌جانبه، ژرف و دقیق خواهد بود. از جمله حوزه‌های تحقیقاتی تأثیرگذار، بررسی مبانی معرفت‌شناختی است. در اهمیت معرفت‌شناسی همین بس که زیرساخت بسیاری از عقاید؛ علوم، اخلاق، اعمال و مبنای عمل به شریعت است و هرگونه نظریه‌پردازی در حوزه علوم، به ویژه علوم انسانی، تمدن، پیشرفت و توسعه در گرو آن خواهد بود (شاکرین، ۱۳۹۳). در پرتو معرفت‌شناسی صحیح، انسان به نظام معرفتی صحیحی دست می‌یابد که به نوبه خود نوعی متناسب از عقاید، اخلاق، رفتار و ایمان را در پی خواهد داشت و الگوی زندگی و تمدن را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین گام نخست در نظریه‌پردازی و تدوین الگوی اسلامی پیشرفت، بازشناسی مبانی معرفت‌شناختی پذیرفته شده در حوزه تفکر اسلامی و جست‌وجوی برون دادهای آن در نظریه و الگوی پیشرفت است. مراد از مبانی معرفت‌شناختی که این تحقیق در جست

۱ * (نویسنده مسئول)، دانش‌آموخته دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
nooripour.r@gmail.com

۲ استاد تمام، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، Hosseins1381@yahoo.com

۳ استاد ممتاز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، afrooz@ut.ac.ir

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

وجوی آنهاست، آن دسته از زیرساخت های نظری است که ماهیت معرفت شناختی دارند و به پرسشهایی درباره چیهستی معرفت، امکان، ابزار، منابع و موانع، گونه ها و مراتب، گستره و محدودیت ها و مسائل دیگری از این سنخ پاسخ می دهند. این مبانی شاید به نحو مستقیم یا غیرمستقیم در تولید نظریه و تدوین الگوی پیشرفت اثرگذار باشند (شاکرین، ۱۳۸۷).

پیشرفت را می توان برنامه ای هدفمند در جهت حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب دانست. با توجه به تفاوت جوامع مختلف در وضعیت موجود و با عنایت به این نکته که وضعیت مطلوب هر جامعه متناسب با مبانی معرفتی، فرهنگی، فلسفی، اخلاقی و ایدئولوژیک آن جامعه تعریف می شود، می توان ادعا کرد که وضعیت مطلوب جوامع مختلف با هم متفاوت است. به عبارت دیگر پیشرفت یک معنای جهانشمول و هم هجاصادق ندارد و شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ارزشها و در یک کلام شرایط زمانی و مکانی در آن موثر است. نادیده گرفتن این واقعیت میتواند به بروز ناهنجاریها و تناقضهایی در جوامعی که به کپی برداری از الگوهای پیشرفت سایر کشورها - بدون توجه به شرایط بومی کشور محل اجرای الگوی پیشرفت - می پردازند، منجر شود، کما اینکه این وضعیت در جامعه ما به وضوح قابل مشاهده است.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به انتخاب کلمه «پیشرفت» به جای کلمه «توسعه» به دلیل بار ارزشی منفی این مفهوم در این الگو تأکید داشته اند: «کلمه توسعه، یک اصطلاح متعارف جهانی، با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود است که ما با آنها موافق نیستیم، بنابراین از کلمه «پیشرفت» استفاده شد، ضمن اینکه وام نگرفتن از مفاهیم دیگران، در طول انقلاب اسلامی سابقه داشته است. با وجود همه تغییرات بوجود آمده در مدل های توسعه، به علت اینکه همه این مدلها از نگاه اومانستی و جهان بینی سکولار سرچشمه می گیرند، نتوانسته اند اهداف مورد نظر جوامع بشری را تأمین کنند، ضمن اینکه علاوه بر تفاوت های ایدئولوژیک، جغرافیای پیشرفت ایران نیز متفاوت است.»

این سخن به این معناست که هیچ برنامه و الگوی پیشرفتی تعمیم پذیر نیست و نمی توان نسخه آن را دقیقاً برای فرهنگ و کشوری دیگر پیچید؛ اما با توجه به این که کلیه الگوهای پیشرفت معطوف به انسان و رستگاری اوست، می توان مشترکاتی را میان این الگوها یافت و از تجارب سایرین استفاده کرد.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت همان برنامه ریزی بلند مدت برای یک دوره پنجاه تا صد ساله است؛ چرا که برنامه - ریزی عبارت است از «یک جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت ها به منظور تصمیم گیری در مورد آوردن آینده به زمان حال، تا بتوان با تعیین هدف های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت های اثربخش جهت تحقق هدف های یادشده، کاری برای آن انجام داد. برنامه ریزی چیزی نیست جزء شناخت دقیق و صحیح وضع موجود در تعیین فرایند رسیدن به وضع مطلوب که در آن باید تعیین کرد چه فعالیت و کاری؟ چگونه و با چه روشی؟ از سوی چه کسی یا سازمانی؟ با کمک چه کسانی یا سازمان هایی؟ در کجا؟ در چه زمانی؟ با چه هزینه ای ای؟ و با چه ابزار و وسایل و منابعی؟ انجام شود تا از وضع موجود به وضع مطلوب آینده دست یافت.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ابزارسازی و بهره‌گیری از همه فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای رشد و تعالی انسان‌ها و طی کردن مسیر کمال در شرایط امروز جهان که تجلی و نتیجه مدیریت راهبردی فرهنگی جامعه اسلامی است، عمده‌ترین هدف طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است و این امر مهم‌ترین و بزرگ‌ترین گام سازمان‌یافته برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی است. دستیابی به این الگو در عین ایجاد آمادگی و به وجود آوردن پشتوانه حمایتی برای طی کردن مراحل بعدی در اجرایی‌کردن آن، مستلزم مشارکت همه نخبگان در عرصه‌های مختلف علمی و اجرایی اعم از حوزه، دانشگاه، مدیران و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی است. میزان افزایش ظرفیت مدیریت مراحل اولیه تدوین الگو در جلب گسترده این مشارکت، زمینه‌ساز نهادینه‌شدن تفکرات و اندیشه‌های حاکم بر این الگوی پیشرفت و به تبع آن، افزایش حمایت اجرایی است.

مهم‌ترین ویژگی که باید الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی را از الگوهای توسعه و پیشرفت در سایر جوامع ممتاز سازد، بهره‌گیری از همه نظام‌های فرعی شکل‌دهنده کلیت نظام اجتماعی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای کمک سازمان‌یافته و پیوسته به رشد و تعالی انسان‌هاست و بدیهی است که طراحی چنین الگویی می‌تواند یکی از گام‌های بسیار مهم در روند پیشرفت همه‌جانبه جامعه امروز ایران و اثبات نظری کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران باشد (جوادی، ۱۳۷۴).

نظریه‌ها و الگوهای غربی توسعه اقتصادی برای کشورهای جهان سوم، مشکل‌آفرین بوده است. بعلاوه اغلب دست‌اندرکاران امر توسعه، سیاست‌های خود را به نام نظریه بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند. از این منظر، راهبردهای توسعه نیز شایسته آسیب‌شناسی است. نظریه‌های توسعه، مفهوم آنچنان عام و همه‌شمولی نیستند که بتوان تعریف قطعی و نهایی از توسعه ارائه داد. الگوهای توسعه نیز، برخی هنجاری و برخی اثباتی و در عین حال، صوری یا ماهوی هستند. هر تلاشی برای تعمیم یک نظریه توسعه، خود از مصادیق استعمار فرهنگی است. آسیب‌شناسی علمی توسعه، فهرستی از مسائل و مشکلات برخاسته از توسعه در کشورهای توسعه‌یافته از قبیل رکود و بحران اقتصادی، تورم فزاینده و بیکاری رو به رشد، ناتوانی آن‌ها در حل تناقضات درونی جامعه، ناهماهنگی و عدم تعامل، شورش جوانان، کالا شدن زنان، حفره‌های فقر مزمن، خشونت رو به افزایش، تخریب ارزش‌های اخلاقی و فساد را پدیدار می‌سازد. در کشورهای در حال توسعه نیز آینده توسعه، مأیوس‌کننده و برنامه‌ریزی آن به نفع نخبگان بوده و مردم فراموش شده‌اند. اقلیت متمکن، برنامه‌ریزی تقلیدی و فاقد جهت‌گیری صحیح، آرمان خود اتکایی غیر واقعی، بی‌ثباتی سیاسی، گسترش فساد اقتصادی، بحران مشروعیت نظام حاکم، تورم و بیکاری گسترده، رکود تورمی، مخاطرات سیاسی و امنیتی، گسترش فقر و نابرابری ناشی از سیاست تعدیل، خصوصی‌سازی ناموفق و توزیع نابرابر ثروت، از نتایج ناگوار الگوهای توسعه است. نگرش‌های جدید نسبت به توسعه عادلانه با اولویت قرار دادن توزیع مجدد نسبت به رشد و توسعه بدیل با جهت‌گیری بومی، خود اتکا و مبتنی بر دگرگونی ساختاری استوار است. مفهوم شناسی توسعه بومی در ایران می‌باید از اسناد بالا دستی مانند قانون اساسی، بیانات حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و نیز سند چشم‌انداز بیست ساله متأثر باشد. بررسی این اسناد، این فرضیه را تقویت می‌کند که

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

توسعه بومی در ایران شامل سه بعد و هدف اساسی پیشرفت، عدالت و معنویت است و عوامل ایجاد این اهداف شامل حاکمیت، مردم، دولت و روحانیت است (امینی، ۱۳۹۱).

مقام معظم رهبری درباره ضرورت تدوین الگوی پیشرفت و چستی نقشه و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت می فرماید: «به خاطر اینکه امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل های غربی است، توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل هایی که غربی ها برای ما درست کرده اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است و هم غلط است و هم خطرناک. غربی ها در تبلیغات خیلی ماهر هستند یعنی ماهر شده اند. در طول این دویست و سیصد سالی که کار تبلیغاتی پی در پی می کنند، با تبلیغات موفق خودشان توانسته اند این باور را در بسیاری از ذهن ها به وجود بیاورند که توسعه یافتگی مساوی است با غرب و غربی شدن. هر کشوری بخواهد کشور توسعه یافته ای محسوب بشود، بایستی غربی شود و این تبلیغات آن ها است. هر کشوری که از الگوهای موجود غرب فاصله داشته باشد، توسعه یافته نیست و هر چه فاصله اش بیشتر، فاصله اش از توسعه یافتگی بیشتر می شود؛ این طوری می خواهند جا بیندازند و متأسفانه در ذهن ها جا اندخته اند. البته نقشه پیشرفت اسلامی- ایرانی چیست؟ این باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایای آن مشخص شود، این کار به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده ایم که باید برگردیم به نقشه اسلامی- ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است و این موفقیت را امروز داریم.»

اهمیت دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت

ساخت کلی الگو باید متناسب با اهداف، جهت گیری ها و ارزش های مورد نظر جامعه باشد. الگوهای مختلف برنامه ریزی می توانند از نظر ساخت الگو دارای تفاوت های چشمگیری باشند. هر چند روش های تکنیکی محاسبات و برآوردها در تمام الگوهای برنامه ریزی دارای تشابه های بسیار است اما باید تأکید کرد آنچه یک الگوی برنامه ریزی را از الگویی دیگر متمایز می سازد، ساخت کلی الگو است به طوری که مشخص می سازد چه مسائلی به طور مستقیم در الگو مورد نظر قرار گرفته و حصول به چه اهداف مشخصی مورد توجه بوده است. از اینجا است که در هر نظام برنامه ریزی، تدوین و انتخاب الگوی مناسب دارای جایگاه ویژه و بسیار با اهمیتی است (فعال، ۱۳۷۷).

امروزه تهاجم بر اصل حیات اجتماعی اسلام، توسط مدلها صورت می گیرد. تهاجم عینی به وسیله تصمیم گیری اجتماعی واقع می شود. به عبارت دیگر هر جامعه ای مسئولینی برای تصمیم گیری کل جامعه دارد که آنها درباره ی کل مقدرات جامعه، تصمیم گیری می کنند اما تصمیم سازی برای تصمیم گیران به وسیله مدلها انجام می گیرد.

لذا با توجه به وجود نقاط افتراق و اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه ی غربی و تاثیر مبانی معرفتی در نوع پیشرفت ضروری و حیاتی بودن دستیابی به الگوی توسعه اسلامی- ایرانی از دو جهت کاملاً برجسته می باشد:

اول- تضمین کننده دستیابی به رشد، تعالی و حیات طیبه

الگوی توسعه اسلامی _ ایرانی به عنوان قابلیت انحصاری ادیان الهی در مقابل نظامهای سرمایه داری غرب با هدف دستیابی به سمت حیات طیبه و زندگی گوارا و نیز در مقابل افکار غیر اسلامی مبنی بر تجویز کنار گذاشتن عدالت

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به عنوان ارزشی درجه دو در دوره ای از مسیر حرکت جامعه اسلامی؛ کننده دستیابی به رشد، تعالی و حیات طیبه می باشد.

دوم - مقدمه فراگیری اسلام در جهان

با تداوم، توسعه و فراگیر نمودن این رویکرد و مدل کارآمد در محیط داخلی و بین المللی با ترکیبی متوازن و سازگار با عنوان توسعه - عدالت محوری دارای قابلیت ایجاد الگویی کارآمد برای همه کشورهای اسلامی به عنوان منطق، استراتژی و نوآوری نظام جمهوری اسلامی در مقابل سیاستهای اقتصادی ناعادلانه دنیا مبتنی بر توسعه محوری در راستای الگوسازی نظریه‌ی سیاسی اسلام در دنیا مقدمه فراگیری اسلام در جهان فراهم می باشد (علی احمدی، ۱۳۹۰).

مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پشت تمدن های بزرگ تاریخی یک دین نهفته است؛ مکتبی که نتواند فرهنگ ساز باشد نمی تواند فرهنگ را به تمدن تبدیل کند و کالبد عینی و فیزیکی به آن بدهد. فرهنگ اسلامی در دوره های مختلف تبدیل به تمدن شده است. فرایند تبدیل ایدئولوژی به فرهنگ در دهه اول انقلاب شکل گرفت در آن که دین می تواند در عرضه فرهنگی و اجتماعی نهادسازی بکند و به فرهنگ منجر شود اتفاق افتاد اما این تبدیل کامل نیست. انقلاب اسلامی زمانی می تواند هویت سازی بکند تعریف جدیدی از هویت اسلامی ارائه دهد و فرهنگ را تبدیل به تمدن بکند. هدف انقلاب اسلامی از استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی در تفکر امام(ره) ایجاد یک تمدن نوین است، تمدنی بر پایه ارزش های انسانی، دینی شکل بگیرد و بتواند در برابر هویت سکولار تمدن غرب ایستادگی کند، ما در یک نقطه عطف تاریخی هستیم و ذهنیت نخبگان باید به سمت ایجاد یک تمدن متوجه شود تمدنی که نقطه آغازش نظریه ها و دانش هاست و تولید نظریه و دانش، نیازمند خیزش جدید است و حوزه دانشگاه رسالت دارند که این خیزش اتفاق بیفتد. این خیزش و جنبش نباید در کلیه نخبگان و اساتید باقی بماند بلکه باید در سطح بدنه حوزه و دانشگاه مطرح شود و این امر زمانی رخ می دهد که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، اندیشه ورزی عادت نخبگان شود. بخشی از وظایف مدیریت فرهنگی در حوزه و دانشگاه برنامه ریزی برای تولید دانش و اندیشه است دانش های تمدن ساز دارای سه لایه عمده هستند لایه اول رویی ترین لایه، گزاره های علمی هستند. لایه دوم، نظریه ها قرار دارند و لایه سوم چارچوب ها و پارادایم ها هستند. وضعیت فرهنگی و تولید دانش در جامعه ایران محدود به گردش در حوزه گزاره هاست. در حوزه و دانشگاه علوم انسانی از ساخت گزاره ها به ساخت نظریه ها نفوذ کرده است. تولید نظریه در یک فضای آزاد و گفتگوی فعال صاحبان تخصص ها امکان پذیر است. نظریه ها باید قابلیت سازگاری درونی دارا باشد و در آرمان آن بر بنیادهایی بنا شده باشد که امکان تفاهم عقلایی ایجاد کند و با فرهنگ و آرمانهای جامعه نسبت و ارتباط داشته باشد. بر این اساس نخبگان دانشگاه و حوزه علمیه ما با یک تأمل جدید و آغاز رویکرد تازه به تولید اندیشه برساند سطح تولید اندیشه باب شود گام بعدی این است که نشان دهیم این الگو دارد و کارآمد است (ندایی، ۱۳۸۷).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی با پذیرش واقع‌گرایی در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود، بر اصول و ارزش‌هایی مانند عدالت، علم و تقوا پافشاری می‌کند و به هیچ قیمتی راضی به خدشه‌دار شدن آنها هر چند به بهای رشد تولید ناخالص ملی نمی‌شود؛ حتی اگر به ظاهر هزینه‌بر و تهدیدزا نیز باشد؛ چرا که به عدالت، ارزش‌ها، آرمان‌هایش و نسبت آنها با پیشرفت، عینیت و واقعیتی قائل است که بدون چنین ارزش‌هایی امکان تحصیل پیشرفت وجود ندارد. ولی الگویی که برای این ارزش‌ها قائل به عینیت نیست، برای رسیدن به توسعه اصلاً ارزش‌ها را مد نظر ندارد یا اگر هم در نظر داشته باشد، در مقام عمل، قربانی رشد و توسعه‌ی کمی و مادی می‌شود؛ چنان‌که بسیاری از اندیشمندان غربی و نیز روشن‌فکران غرب‌گرای داخلی با منطقی و رویکردهای عقل‌گرایی پراگماتیسمی و بر اساس برخی نظریه‌های توسعه معتقدند در مسیر توسعه- به ناچار- دوره‌ای وجود دارد که فاصله‌ی طبقاتی افزایش می‌یابد که با طی آن دوره- به تدریج- شکاف طبقاتی کمتر می‌شود. از این رو حاضر می‌شوند عدالت را که از اهم ارزش‌های اساسی و راهبردی پیشرفت است- هر چند دوره‌ای- قربانی رشد و توسعه کنند. این در حالی است که برخی از آنها در ظاهر، طالب عدالت نیز هستند. واقع‌گرایی اخلاقی و ارزشی به ضمیمه‌ی نظریه‌ی ضرورت بالقیاس، بالغیر و برخی مبانی انسان‌شناختی از قبیل فطرت‌مندی، کمال‌طلبی، وجود نیازهای دائمی انسان، به کلیت و اطلاق اصول احکام اخلاقی و نفی نسبی‌گرایی می‌انجامد. از این مبنا برای اثبات اصول ارزشی عام و راهبردی و رابطه‌ی آنها با اهداف الگوی پیشرفت استفاده می‌شود؛ زیرا بدون آن با گذشت زمان و تغییر شرایط اجتماعی، اصول ارزشی ثابتی وجود نخواهد داشت که بتواند مبنای الگو و برنامه‌ریزی جامع برای پیشرفت- چه در مقام هدف و چه در جایگاه علت- و ابزاری برای رسیدن به هدف مورد بهره‌برداری واقع شود. واقع‌گرایی ارزش‌شناختی موجب می‌شود الگوی پیشرفت، بر اصول و ارزش‌هایی مانند عدالت، علم و تقوا پافشاری کند و به هیچ قیمتی راضی به خدشه‌دار شدن آنها- هر چند به بهای رشد تولید ناخالص ملی- نشود؛ حتی اگر به ظاهر هزینه‌بر و تهدیدزا نیز باشد؛ چرا که رابطه‌ی آنها با پیشرفت، عینی و واقعی است و بدون آنها امکان پیشرفت نیست (مرعشی، ۱۳۷۷).

طراحی و تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی علاوه بر آثار و فواید عام، به‌طور خاص می‌تواند سه پیامد بسیار موثر در سرعت دادن به پیشرفت کشور داشته باشد که عبارتند از:

۱. شفاف‌شدن نیازها و خلأهای نظری که حوزه‌های علمیه باید پاسخگو باشند.
۲. مشخص شدن خلأها و کاستی‌هایی که نظام‌های پژوهشی و دانشگاهی ما باید درصدد جبران آن باشند.
۳. روشن شدن محتوای نظام‌های آموزشی کاربردی برای آماده‌سازی مدیران ارشد اجرایی برای ورود در مسئولیت‌های راهبردی حوزه مدیریتی خویش (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹)

اگر قرار است الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ماندگار باشد باید در ضلع فرهنگ نیز به موازات سایر اضلاع آنچنان الگویی ترسیم و تعریف کرده باشد که نه تنها در بطن فرهنگ لیبرال هضم نشود، بلکه به موجب الگو بودن، خود رقیبی جهان‌گستر به شمار آید. در اینجا است که به نظر می‌رسد لازم است در جامعه ما کسانی به نام مهندسان فرهنگ تربیت شوند تا همراه در این زمینه ایفاء نقش کنند. البته مقصود از این واژه چیزی جدای از مهندسی فرهنگی است که آنهم در این پیشنهاد لازم ولی در مرتبه عملیاتی قرار دارد. همچنین به نظر می‌رسد به لحاظ رکن

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

دین در فرهنگ ما، وجود کسانی به نام مهندسان فکر دینی نیز لازم است. تعریف دقیق و تفصیلی این سه واژه ب همراه دروس لازم برای تربیت آنها کاری است که در مقامی مستقل انجام گرفته است. البته تا پیش از تربیت چنین افرادی، ضرورت مورد بحث، یعنی ضلع فرهنگ در پدیده جهانی شدن، ایجاب می کند تا افرادی با تأملی جامع و مانع در مبانی فلسفی و دینی ضلع فرهنگ در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت آن را تدوین کنند، زیرا آنچه راه نفوذ پدیده جهانی شدن را در ضلع فرهنگ، همچنانکه در سایر اضلاع، می بندد، ظهور رقیب قدرتمند است، چرا که آنچه میتواند تفکر را چاره کند صرفاً تفکر است، و اگر تفکر، قابل دفاع و قدرتمند نباشد، اندیشه باطل جولانگاه می یابد و از هیچ راهی نمی توان آن را از جامعه دور ساخت (نوبخت، ۱۳۹۰).

بی شک از محورهای مهم این الگو، توجه به ابعاد فضایی پیشرفت و عدالت و ویژگی ها و مقتضیات مکانی پاره ها و افرازیهای جغرافیایی کشور است. بر این مبنا بخشی از الگوی جامع پیشرفت اسلامی- ایرانی، زیر بخش منطقه ای آن خواهد بود. در تلاش برای پاسخ گویی به دو سوال مطرح شده در حوزه های نظری و کاربردی در تشریح اولا جایگاه مفهوم پیشرفت منطقه ای در مبانی پیشرفت اسلامی- ایرانی و ثانیاً اصول و فرآیند برنامه ریزی در الگوی منطقه ای پیشرفت اسلامی- ایرانی؛ نتایج ذیل حاصل گردید. اجزای عملکردی الگوی منطقه ای پیشرفت اسلامی- ایرانی) شامل سیاستگذاری، طراحی برنامه و طرح های پیشرفت (بر اساس مطالعات مربوط به وضعیت موجود منطقه در خصوص معیارها و سطوح رفاهی فوق، تحلیل های آسیب شناختی) در خصوص علل عدم تحقق شرایط مطلوب (در دو حوزه آسیب های منبعث از کمبود امکانات و آسیب های منبعث از ناکارآمدی فرآیندها (به تفکیک فرآیندهای طرف عرضه و فرآیندهای طرف تقاضا) صورت می گیرد. در اولویت بندی سیاستها لازم است به معیارهای اولویت بالاتر سیاستهای مرتبط با ارتقاء وضعیت رفاهی سطح یک، اولویت بالاتر سیاستهای مرتبط با رفع ناکارآمدی فرآیندها، اولویت بالاتر سیاستهای مرتبط با خدمات عمومی با میزان مطلوبیت منطقه ای و ناحیه ای بالاتر و اولویت بالاتر سیاستهای مرتبط با توسعه بخش های تولیدی دارای مزیت ناحیه ای و منطقه ای بالاتر توجه نمود (حبیبی، ۱۳۹۱).

یکی از مباحث بسیار مهم در راستای اعتلای الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی نظام باورها و ارزشها در تحقق پیشرفت میباشد. در واقع دلیل اهمیت و نقش کلیدی ارزشها، این مساله می باشد که ارزشها ریشه در واقعیت دارند و اصول آنها ثابت، مطلق و جهان شمول است و اصول ارزشها از طریق عقل و فطرت، و تفصیل آن از طریق کتاب و سنت قابل کشف است. از طرفی، ارزشها در ساحت های ارتباطی انسان با خدا، خود، خلق و خلقت ساری است که تحقق ارزشها موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است. در کنار این مسائل رهبر انقلاب اسلامی، نظام باورها و ارزشها را نیز مهمترین عرصه ای عنوان داشته اند که در کار پیچیده، دقیق و بلند مدت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، باید به آن توجه شود، چرا که نظام باورها و ارزشها، روح پیشرفت واقعی در همه زمینه ها و مسائل است. از نگاه مقام معظم رهبری، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به گونه ای تدوین شود که جامعه را به سمت جامعه- ای متفکر سوق دهد و جوشیدن فکر و «اندیشه ورزی» به حقیقتی نمایان در جامعه تبدیل شود» (جوانپور و عباسی، ۱۳۹۰).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

الگوهای پیشرفت لاقول در یکی از این سه امر (تحلیل وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب، راهبردهای تغییر) با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از مناشی اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر این الگوها است. اگر الگو مبتنی بر جهان‌بینی و اخلاق و حقوق اسلامی باشد می‌توان آن را به اسلامی بودن متصف کرد. بنابراین، الگوی اسلامی پیشرفت الگویی است مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی. این الگو ثابت و جهان‌شمول است و قابل تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی گوناگون می‌باشد. اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن به جهت تطبیق این الگو بر شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران است. به همین جهت ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد. این بحث (وجه توصیف الگوی پیشرفت به اسلامی و ایرانی) با بحث ثابت و متغیر در شریعت اسلامی ارتباط وثیقی دارد. بینش‌ها و چارچوب‌های اخلاقی و حقوقی اسلامی جزو ثابتات است. با این وجود این ثابتات قابل تطبیق بر شرایط مختلف است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹).

در ارتباط با خاستگاه ارزش‌ها و اینکه آیا منشأ ارزش‌ها در ذات اشیا و افعال نهفته است یا خاستگاه آنها را باید در خارج از ذاتشان جستجو کرد؛ به بیان دیگر آیا خوبی و بدی اشیا و افعال، جزو صفات حقیقی آنها هستند یا اموری قراردادی و اعتباری اند که از خارج از ذاتشان به آنها تزریق می‌شود، نظریات متعددی وجود دارد. برخی از آنها می‌گویند که خاستگاه ارزش‌ها را در خارج از خود افعال و اشیا می‌دانند، طرفداران نسبی‌نگری هستند. آنها معتقدند اصول اخلاقی، توصیف‌گر^۴ فرهنگی، قراردادهای اجتماعی است و قاعدتاً بر هنجارهای جامعه مبتنی است. گروه دیگر طرفداران مکتب شخصی‌انگاری^۵ هستند که خاستگاه ارزش‌ها را در احساسات شخصی می‌بینند. از نظر آنها داوری‌های اخلاقی، نوع احساسات ما را توصیف می‌کنند. چیزی خوب است؛ یعنی احساس ما به آن مثبت روایت پخته‌تری^۶ از است. دیدگاه ناظر آرمانی همین شخصی‌انگاری است؛ زیرا بر اساس آن، داوری‌های اخلاقی، توصیف این نکته اند که اگر ما به تمام معنا معقول می‌بودیم، چه احساساتی می‌داشتیم (کیوان‌حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۰).

برخی از فیلسوفان و اندیشمندان بر آن عقیده اند که خاستگاه خوب و بد، امر و نهی خداوند است. طرفداران این طرز تفکر در دسته فراطبیعت‌گرایی^۷ جای می‌گیرند که در مغرب زمین به مکتب «نظریه امر الهی»^۸ حسن و قبح الهی^۹ یا معروف است. این بحث در جهان اسلام، ابتدا با یک مسئله کلامی آغاز و در طول زمان به تدریج در علوم دیگری همچون اخلاق و اصول فقه وارد شد که اشاعره در برابر امامیه و عدلیه به حمایت از نظریه امر الهی پرداخته اند.

⁴ Cultural Relativism

⁵ Subjectivism

⁶ Idea observer view

⁷ Supernaturalism

⁸ Divine Command

⁹ Theological voluntarism

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

از مجموع مباحث مفهوم شناسی مفاهیم ارزشی به این نتیجه رسیدیم که مفاهیم ارزشی از گونه معقولات ثانی فلسفی، معنادر و مفاهیمی ناظر به واقع هستند. مهم ترین تأثیر این مبنای فرااخلاقی در معناداری گزاره‌های اخلاقی ظاهر می شود؛ به این معنا که اگر ناظر به واقع بدانیم، در مفهوم گزاره‌های « باید و نباید» یا «خوب و بد» مفاهیمی مانند ارزشی نیز واقع گرا هستیم و آنها را معنادر خواهیم دانست؛ نتیجه این مبنا آن است که احکام ارزشی و اخلاقی صرف توصیه یا ابراز احساسات و سلیقه فردی یا اجتماعی نیست؛ بلکه حاکی و کاشف از واقعیت عینی و خارجی است. در صورتی که نتیجه بی معنا دانستن مفاهیم اخلاقی، این می شود که گزاره های اخلاقی، هیچ ارتباطی با واقع ندارند و صرفاً بیان احساسات و حداکثر جعل قراردادی اجتماعی هستند. مبنای معناداری گزاره های ارزشی و اخلاقی به ضمیمه قول به نظریه ضرورت بالقیاس و بالغیر، و برخی مبانی انسان شناختی همچون فطرت‌مندی، کمال طلبی، وجود نیازهای دائمی انسان، از سویی اثر خود را در قول به کلیت و اطلاق احکام اخلاقی و رستن از بند نسبی گرایی می گذارد؛ به این صورت که قضایای اخلاقی با توجه به نظریه ضرورت بالقیاس و بالغیر - در مفهوم باید - بین افعال صادر از فاعل و نتایج و اهداف مطلوب، قابلیت توجیه منطقی پیدا می کند؛ یعنی با توجه به هدف مطلوب انسان (کمال، قرب الهی یا ...) افعال خاصی خوب است و ضرورت دارد انجام گیرد و درمقابل، افعالی بد است و لازم است ترک شود و این باید و نبایدها بر واقعیت های عالم تکوین مبتنی است که با گرایش های فطری انسان سازگار است. بنابراین قضایای اخلاقی از فطریات هستند که همه انسان ها با ارتکاز و ضمیر ناخودآگاه خود به آنها اعتراف و گرایش دارند. در نتیجه قضایای اخلاقی برای انسان ها در تمام جوامع و اعصار کلیت دارد و همین مطلب به عنوان یکی از مقدمات در اثبات نظریه اخلاقی مورد نظر این مورد استفاده قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۸۱).

از مبنای قول به کلیت و اطلاق احکام اخلاقی برای اثبات اصول ارزشی عام و راهبردی و رابطه آنها با اهداف الگوی پیشرفت استفاده می شود؛ چراکه اگر قائل به نسبیت احکام اخلاقی شویم، با گذشت زمان و تغییر شرایط اجتماعی، ارزش ها تغییرپذیر تلقی می شوند؛ در نتیجه اصول ارزشی ثابتی وجود نخواهد داشت که بتواند مبنای الگو و برنامه ریزی جامع برای پیشرفت - چه در مقام هدف و چه در جایگاه علت و ابزاری برای رسیدن به هدف مورد بهره برداری - واقع شود. چه بسا همین امر سبب شده ارزش های اخلاقی در اغلب برنامه های توسعه غربی هیچ گونه جایگاهی نداشته باشد. همچنین مبنای معناداری گزاره های ارزشی و اخلاقی بر اساس نظریه ضرورت بالقیاس و بالغیر - در مفهوم باید - باعث می شود رابطه بین بایدها و هست ها منطقی توجیه پذیر باشد. چنان که در جای خود تقریر شد که بر اساس این مبنا، ضرورت (باید) حاصل از آن، مبتنی بر دو مقدمه واقعی و حقیقی (هست) حاکی از رابطه علی موجود بین فعل و نتیجه از حیثی و فاعل و فعل از حیث دیگر می باشد. از قول به وجود رابطه منطقی بین بایدها و هست ها پیش از هر چیز رابطه ارزشها با دانشها، و نقش ارزشها به ویژه در علوم اجتماعی و اقتصادی و ... روشن می شود؛ چراکه برخی با نفی رابطه باید و هست، اصل رابطه بین ارزشها و اخلاق با علوم اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و غیر آن را انکار کرده اند. نتیجه چنین تفکری، این شده که اخلاقیات و ارزشها در برنامه های پیشرفت و توسعه نادیده انگاشته شده و چه بسا مانع رشد و توسعه تلقی شده است؛ چنان که روح حاکم بر اغلب

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نظریه های توسعه غربی چنین است و مهم ترین استدلالشان در ارتباط با جدایی ارزش ها با دانش هایی مثل اقتصاد، این است که ارزشهای اخلاقی از سنخ بایدها هستند؛ درحالی که قوانین حاکم بر اقتصاد، همانند قوانین طبیعی و از سنخ هستها می باشند و این دو با همدیگر هیچ سنخیت و رابطه ای ندارند (حداد عادل، ۱۳۹۰).

از رابطه دین و اخلاق به این نتیجه رسیدیم که به رغم اعتقاد به حسن و قبح ذاتی و عقلی، دین و اخلاق با هم رابطه تعاملی دارند؛ یعنی در مواردی از جمله ضرورت خداشناسی و خداپرستی و پذیرش معاد، اخلاق در دین گروهی تأثیر دارد. در مواردی از قبیل:

۱. تبیین اهداف اخلاق مانند: خیر، سعادت، کمال و قرب الاهی؛

۲. تبیین و تفصیل احکام اخلاقی؛

۳. ضمانت اجرای اخلاق.

نیز دین در ارزشهای اخلاقی تأثیرگذار است. از این مبنا نتیجه می شود که لازم است در سیاست ها، برنامه ها و نحوه به کارگیری عوامل و روش ها در الگوی پیشرفت، افزون بر روش عقل و تجربه، از ارزش های اصلی دینی و حیانی نیز که در متون اصیل دین اسلام آمده، بهره برد و از افتادن در دام عقلانیت صرف عرفی - با تعریف های بعضاً متفاوتی که از آن می شود پرهیز کرد.

با توجه به اینکه تنها هدف نهایی، ارزش ذاتی دارد و ارزش امور دیگر به ارزش هدف نهایی وابسته است و نیز هدف نهایی انسان، کمال و قرب به خداوند است، پس هدف نهایی الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، هدفی یگانه، یعنی کمال انسان است و تمام اجزای الگو باید حول محور هدف واحد توحیدی که مطابق فطرت انسان نیز هست، جمع شوند. به ناچار ارزش های حاکم در الگوی پیشرفت باید ارزش های الهی باشد و ارزش های الهی بر ارزش های مادی مقدم شوند. خاستگاه مطلوبیت هر امری برای انسان، حب ذات است و دوست داشتن خود حقیقی، مستلزم دوست داشتن و طلب کمال خویش است. کمال حقیقی انسان نیز در قرب به خداوند است؛ بنابراین آنچه انسان را به سمت این غایت حرکت دهد، خوب و ارزشمند است و باید بر طبق آن عمل کرد و هرچه از آن دور کند، بد است و نباید انجام داد. نتیجه این مبانی هم گرایی هدف الگوی پیشرفت با گرایش های فطری انسان بر اساس خوددوستی است و کارایی آن را در برای تمامی افراد و جوامع و اعصار نشان می دهد (خوش چهره و حبیبی، ۱۳۹۱).

نتیجه گیری

در فرآیند تحقق این راهبرد ادبیات علمی مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی غنی تر گشته، نیروهایی که توانایی تولید نظریات و تئوری های خالص اسلامی و اجرای آنها را دارند، تربیت شده و زمینه های لازم برای ایجاد رشته های علوم انسانی اسلامی مرتبط با الگوی پیشرفت و نیز زمینه های لازم برای تدوین و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتج از این راهبرد، بیش از پیش فراهم می شود.

برای دستیابی به پیشرفت، باید شاخصه های مثبت توسعه را شناخت و آنها را برای تحقق اهداف به کار برد. یکی از شاخصه های کشورهای توسعه یافته، ریسک پذیری بالا است. داشتن قدرت ریسک پذیری و جسارت برای نوآوری، یکی از نقاط مهم برای دستیابی به توسعه و پیشرفت است. ریسک پذیری امری است که در کشورهای توسعه یافته

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به شدت مورد توجه بوده و در رشد و توسعه این کشورها نقش اساسی ایفا می‌کند. اقتصاد معاصر، دانش بنیان بوده و به شدت وابسته به نوآوری است؛ به طوری که دانش و نوآوری، یکی از موتورهای توسعه تلقی می‌شود. اگر ریسک احتمالی به نتیجه نرسیدن الگوها و برنامه های جدید را نپذیریم، مطمئناً از منافع احتمالی الگوهای جدید بهره‌مند نخواهیم شد. در جامعه‌ای که ریسک‌پذیری وجود نداشته باشد، تغییر ساختارها و رویه‌ها با مشکل مواجه می‌شود و عملاً امکان حرکت به سمت اهداف وجود ندارد.

پیشرفت اسلامی، فرآیند حرکت به سمت جامعه‌ی مطلوب و شایسته‌ی اسلامی است که خطوط کلی و اصول حاکم بر آن ترسیم شد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وظیفه دارد در چارچوب مبانی و اصول اسلام و انقلاب اسلامی، اهداف اسلام، انقلاب اسلامی، قانون اساسی و اهداف هزار و چهارصد ساله‌ی اسلام و مکتب اهل بیت را تحقق بخشد. سبک زندگی را در جهت رسیدن به زندگی گوارا و حیات طیبه اصلاح کند و زمینه‌ی تحقق جامعه‌ی اسلامی و احکام اجتماعی قرآن را فراهم آورد. الگوی پیشرفت در چارچوب سند چشم انداز به دو لایه مفهومی و اجرایی قابل تقسیم می‌باشد. لایه مفهومی مدل، در پی اجماع و وفاق شناختی پیرامون مباحث تئوریک و تبیین و تعریف انسان و جامعه توسعه یافته بر حسب آرمان‌ها و همچنین واقعیات منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. در مدل مفهومی سعی می‌گردد بحث توسعه فرهنگی با هویت اسلامی ایرانی تلفیق گردد و مبانی و چارچوب شناختی پاسخگو، کارآمد و توانمند جهت معرفی و طراحی لایه دوم مدل توسعه یافتگی که همان بعد اجرای آن است، فراهم گردد. اگر چه حرکت به سوی دستیابی و تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت آغاز شده است، لکن بدیهی است، طراحی این الگو سختی‌ها و مشکلات خاص بنیانگذاری یک تئوری جدید کاربردی در اداره کشور (با افق ایجاد الگویی کارآمد برای همه کشورهای اسلامی و نیز همه جهانیان) را دارا می‌باشد و مشارکت فعال همه نخبگان حوزوی و دانشگاهی را می‌طلبد. بنابراین در برنامه‌های پیشرفت و توسعه لازم است هماهنگی، سیاستگذاری متمرکز و ساماندهی ساختار اداری کشور با مهندسی، مدیریت و نظارت بر تحقق الگوی فرهنگ اسلامی- ایرانی پیشرفت با پیش بینی و اهتمام در رفع آسیب‌ها و موانع تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت نیز در دستور کار قرار گیرد.

ایران در آن زمان از تداوم رهبری فقیه عادل، شجاع و توانمند و ضمانت کافی برای سیاست‌ها، قوانین و نظامات مبتنی بر اسلام برخوردار است و همچنان با اتکا به آراء عمومی از طریق مشارکت آزادانه مردم در انتخابات به دور از تهدید ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظام‌مند از مشورت جمعی نخبگان اداره می‌شود و قدرت کامل برای دفاع بازدارنده از عزت، حاکمیت ملی و استقلال، امنیت همه‌جانبه و تمامیت ارضی خویش را حفظ کرده و عامل اصلی وحدت و اخوت اسلامی، ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی است.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی در بررسی رابطه بین توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی از روش‌های کیفی، و در صورت امکان از روش‌های تلفیقی، استفاده کنند. همچنین، در این زمینه، آنها می‌توانند از داده‌های علوم دیگر، همچون تاریخ، علوم سیاسی، اقتصاد، مردم‌شناسی، علوم ارتباطات اجتماعی، مطالعات فرهنگی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و ... استفاده کنند. به بیان دیگر، شناخت کامل هر پدیده انسانی اجتماعی، همچون توسعه نیافتگی مستلزم انجام پژوهش‌های بین رشته‌ای یا چند رشته‌ای است.

منابع

- آقاجانی، احمد و عسگری، محمود (۱۳۸۹). الزام های نظری طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حوزه دفاعی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۱
- امینی، محمد عارف (۱۳۹۱). معرفت شناسی وحی (قوة وحی نبوت به عنوان منبع مستقل معرفت از دیدگاه ابن سینا، صدرالمآلهین، ابن عربی و علامه طباطبایی)، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شاکرین، حمید رضا (۱۳۹۳). دین شناسی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- شاکرین، حمید رضا (۱۳۸۷). روش آزمون صدق کشف و شهود عرفانی، کتاب نقد، سال دهم، شماره ۴۷ و ۴۸: ۹۴-۷۷
- جوادی، محسن (۱۳۷۴). نظریه های صدق، حوزه و دانشگاه؛ ۴(۱): ۳۸-۵۱
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۰). تأملی در معنای الگوی اسلامی ایرانی توسعه، کتاب نخستین نشست اندیشه های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- حبیبی، نیکبخت (۱۳۹۱)، تبیین اصول پایه ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - اسلامی ایران، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع ملی
- خوش چهره، میمد و حبیبی، نیک بخش (۱۳۹۱). اصول پایه ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد؛ ۲۱(۶۲): ۲۴۴-۲۱۹.
- جوانپور، عزیز و عباسی، مهدی (۱۳۹۰). درآمدی بر بازشناسی ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مجموعه مقالات همایش ملی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انتشارات دانشگاه صنعتی سهند تبریز، چاپ اول، تبریز، صص ۹۴-۸۵.
- فعال، محمد تقی (۱۳۷۷). معرفت شناسی دینی و معاصر، قم: نشر معارف.
- قاضی زاده، سیدضیاءالدین (۱۳۸۹). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقش نیروهای مسلح، فصلنامه راهبرد دفاعی؛ ۸(۳۱): ۳۱-۶۲.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۱). انسان از آغاز تا انجام، تهران: الزهراء.
- علی احمدی، علیرضا، (۱۳۹۰)، پیش طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نشر تولید دانش، چاپ اول.
- کیوان حسینی، سید اصغر و جمعه زاده، راحله (۱۳۹۰). پیوندبخشی میان رویکرد دفاع همه جانبه و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ چارچوب پیشنهادی، فصلنامه راهبرد دفاعی؛ ۹(۴۴): ۲۵-۱.
- مرعشی، سید جعفر، (۱۳۷۷)، توسعه اجتماعی (درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی)، سازمان مدیریت صنعتی.
- ندایی، هاشم، (۱۳۸۷)، توسعه اسلامی، مولفه ها و شاخصهای آن، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارگروه مدیریت کلان دستگاههای فرهنگی.
- نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۰). الگوی مطلوب توسعه ایرانی اسلامی، کتاب نخستین نشست اندیشه های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت